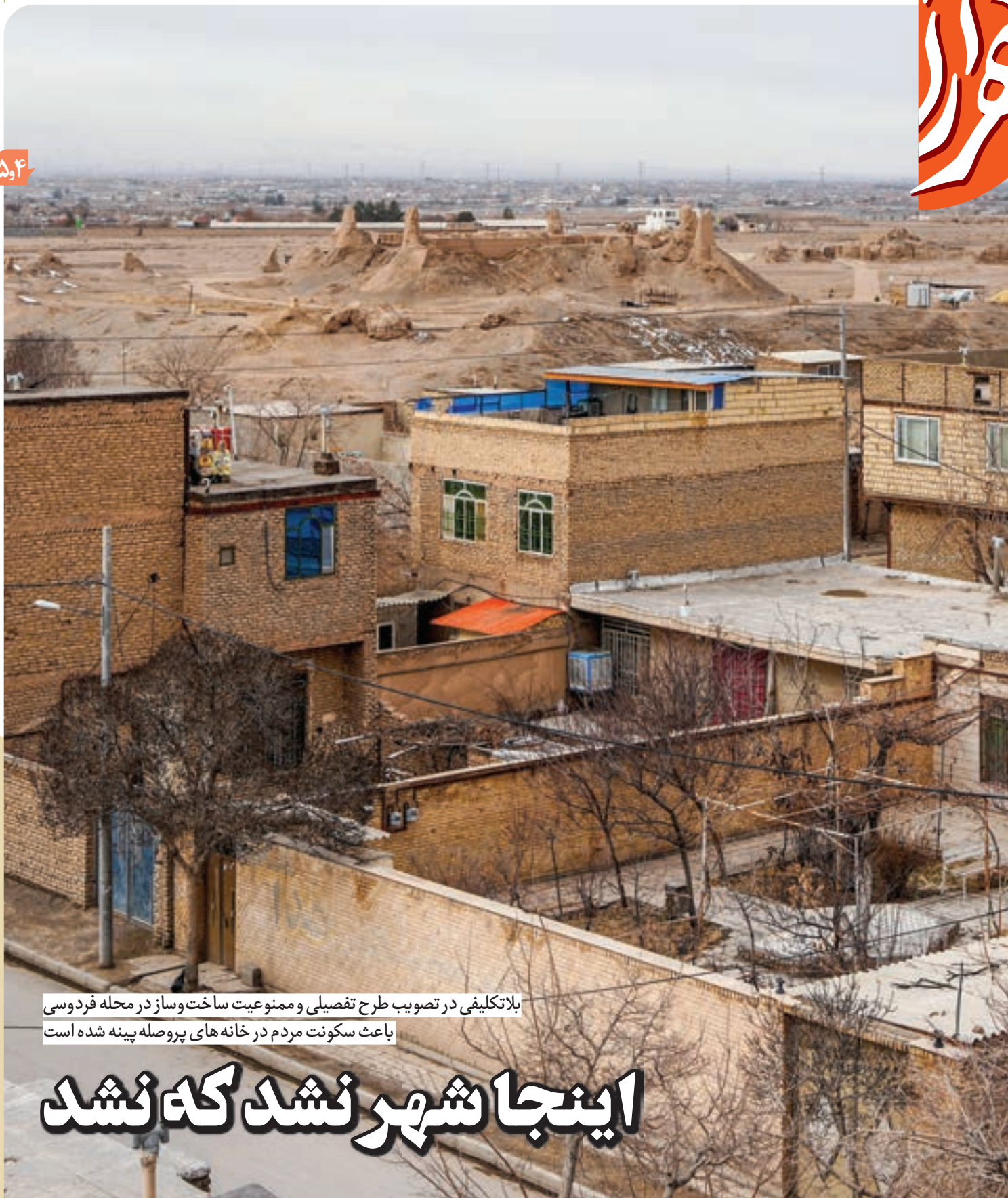




۵۴



بلا تکلیفی در تصویب طرح تفصیلی و ممنوعیت ساخت و ساز در محله فردوسی
باعث سکونت مردم در خانه های پروصله پینه شده است

اینجا شهر نشد که نشد

عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

داستان بانویی که مهرهای شکسته اهالی
را بازسازی می کند

دست های نیایشگر عذرا خانم

۶



همسایه به همسایه، دیدار سی و هشتم

۲

کوچه سیدرضی ۵۷

دوستی با تازه وارد ها

پهلوان با سابقه محله چهاربرج، در چند سال اخیر
حامی ورزشکاران نوجوان کشتی با چوخه بوده است
نسل امروز در گود ورزشی کهن

۷

همسایه به همسایه، دیدارسی و هشتم، کوچه سیدرضی ۵۷

دوستی با تازه واردها

سیرجانی از نزدیک بودن خانه هایشان به هم، به نزدیک شدن دل هایشان به یکدیگر رسیدند تا در روزهای سخت به درد هم بخورند. آغاز روابط همسایه داری اهالی سیدرضی ۵۷، به واسطه پیگیری هایشان در توسعه عمرانی محله بود و هر چه گذشت، روابطشان صمیمی تر شد. وقتی هم از آن ها سراغ یک همسایه خوب را می گیریم، اسم خانم معلم بیشتر تکرار می شود. خدیجه یزدانی را خیلی از اهالی با عنوان خانم معلم می شناسند.

● معلم بچه ها و بزرگ تهرای محله

وقتی یکی از رابطان محلی مادر این کوچه، اسم خدیجه یزدانی را به زبان می آورد، بهترین بهانه است تا به سراغش برویم؛ خانم معلمی که نیمی از عمر خود را در این کوچه زندگی و ۲۷ سال در مدرسه راهنمایی دخترانه «فائزه» محله زیبا شهر معلمی کرده است. تقریباً همه دختران این کوچه و کوچه های اطراف، معلم دینی و عربی و مهربانی و دلسوزی های مادرانه اش را خوب به خاطر دارند؛ کسی که برای آبادانی محله پایه پای بقیه بود، از آسفالت و احداث جوی و جدول تا احداث پل عابریپاده. چند سالی نیز هست که باره اندازی کلاس های نهضت سواد آموزی، برای خانم های بی سواد و کم سواد کلاس درس برگزار می کند. یزدانی می گوید: شهریور ۱۴۰۲ با هفت نفر کلاس را در مسجد راه اندازی کردم تا الان که حدود پنجاه نفر ثبت نامی دارم. البته که در کلاس های خدیجه خانم، درس خانه داری و همسرداری به رایگان ارائه می شود. خودش می گوید: اینجا چراغی روشن است تا همسایه ها در آرامش زندگی کنند و از پس مشکلاتشان بآیند.



● حمایت از ایتم محله

عذرا یاقوتی را خانم معلم محله به ما معرفی می کند و می گوید: همسایه روبه روی ماست و چند سالی زودتر از ما در این کوچه ساکن بودند. وقتی ما از تربت جام به مشهد آمده بودیم و در این کوچه ساکن شدیم، خیلی احساس غربت می کردیم. اما وجود همسایه خوبی مثل عذرا خانم و خونگرمی اش باعث شد به مرور درد غربت را فراموش کنیم.

عذرا خانم چهل سال قبل از قوچان به مشهد آمد و در این کوچه که آن زمان بیابانی بود، ساکن شد. او می گوید: چون خودم چند سال تنها بودم و درد غربت را خوب احساس می کردم، سعی می کردم با همسایه های تازه وارد، رفتاری داشته باشم که آن حس غریبی را تجربه نکنند. الان هم همین طور است.

یکی دیگر از خصلت های خوب این همسایه کوچه سیدرضی ۵۷ مشارکت در کارهای خیرخواهانه است؛ از مشارکت در انداختن سفره های افطاری تا حمایت از ایتم محله. این بانو همسایه ای را خوب می داند که در غم و شادی همسایه حضور داشته باشد و باری از روی دوش همسایه بردارد.

● توانایی افراد در خدمت

همسایه ها

رفاقت عذرا خانم و زهرا خوش سیرت در بهشت رضا^(ع) و در یک مراسم عزاشکل گرفت و بعد به محله کشیده شد. عذرا خانم درباره همسایه اش می گوید: حواسش به همسایه ها هست و اگر بداند کسی مشکلی دارد با کمک دیگر همسایه ها آن را رفع می کند.

خود زهرا خوش سیرت می گوید: ما از قدیم در این کوچه روابط خوبی را با همسایه ها شروع کردیم و برای پیگیری مشکلات و کمبودها همدل شدیم. همان روابط باعث شد از هم شناخت پیدا کنیم و ببینیم که چه کسی چه توانایی ای دارد و در مشکلات به درد هم می خوریم.

زهرا خانم که سفرهای زیارتی زیادی با همسایه ها ترتیب داده است، درباره خصوصیات یک همسایه خوب می گوید: کسی که در نبود خواهر و برادر بتوانی روی او حساب کنی و رازدار و امانت دار مال و حرف دلت باشد، مصداق همسایه خوب است.



پرچم ائمه اطهار^(ع) بالاست

هم زمان با فرارسیدن ماه شعبان و میلاد خجسته ائمه اطهار^(ع)، آذین بندی منطقه انجام شده است. این اقدام از سوی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ و همراه با نصب پرچم، چراغانی و نصب بنر اجرا شده است. بیش از شصت کیلومتر از معابر اصلی منطقه با پرچم ائمه اطهار^(ع) زیباسازی شده است.



فعالان فرهنگی و مذهبی مسجد امام رضا^(ع) محله سیدرضی برای سومین سال پیاپی، طرح ویژه اعیاد شعبان را اجرا کردند

اهالی محله، مهمان سینی های آسمانی

بهشتی فعالان فرهنگی و مذهبی مسجد امام رضا^(ع)، هم زمان با آغاز ماه شعبان، طرح بزرگ سینی های آسمانی را در محله آغاز کرده اند. این اقدام زیبای محلی با همراهی خیران و مردم محلی انجام شده است و به تأسی از فرهنگ ایام چراغ برات در خراسان انجام می گیرد. از ابتدای ماه شعبان، اهالی محله با پرداخت وجه نقد یا تهیه و تحویل مواد غذایی به نیت شادی روح اموات و برای پذیرایی مردم، در این اقدام شریک شده اند تا سینی های پذیرایی مسجد امام رضا^(ع) در شب های منتهی به نیمه شعبان پر و پیمان باشد. امسال، تاکنون بیش از ۱۲۰ سینی با انواع اقلام پذیرایی از جمله تنقلات، میوه و آجیل تهیه و بخشی از آن ها نیز به نیازمندان تقدیم شده است.



رقابت دختران رولبالیست در منطقه ما

اولین دور رقابت های رولبال دختران مشهد در سالن ورزشی مادر و کودک برپا شد. در پایان این رقابت جذاب در سطح مبتدی، تیم امید و در سطح پیشرفته تیم نورا قهرمان شدند. ورزشی متشکل از هندبال و اسکیت است که در زمین هندبال اجرا می شود.

لباس گرم بر تن بافت گیاهی منطقه

با ورود موج هوای سرد به مشهد، نیروهای فضای سبز شهرداری منطقه ۱۱ در وضعیت آماده باش قرار دارند. در همین راستا بیش از سیصد درخت و درختچه و حدود ۴ هزار مترمربع از بافت گیاهی حساس به هوای سرد در منطقه ۱۱ با پلاستیک و صفحه های برزنتی پوشانده شده است تا از آسیب در امان باشند.

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۱۲



کارناوال خودرویی در جشن های شعبان

ایجاد خجسته ماه شعبان، دوباره حال خوب و انرژی مثبت را به معابر منطقه ۱۲ آورد و کاروان خودرویی شعبان، پیام آور این نشاط شهری بود. فرارسیدن میلاد ائمه اطهار^(ع) سبب شد در این هفته هیئت ها و مساجد محدوده شهری الهیه با یکدیگر همراه شوند و کاروان خودرویی را در منطقه به راه بیندازند. در این برنامه حدود صد خودرو در مجموع سه شب همراه شدند و با پرچم های مزین به نام ائمه اطهار^(ع) مسیر بولوارهای اصلی را طی کردند. این اقدام شورانگیز با همراهی اهالی مساجد امیرالمؤمنین^(ع)، امام سجاد^(ع)، سیدالشهدا^(ع) و جواد الائمه^(ع) برنامه ریزی و اجرا شد.



صدای نقال ها در آرامگاه فردوسی پیچید

بهشتی ادر سومین گردهمایی حوض نقالی در آرامگاه فردوسی، کودکان و نوجوانان، داستان های شاهنامه را روایت کردند. در این برنامه فرهنگی که با حضور مخاطبان و بازدیدکنندگان آرامگاه برگزار شد، ۹ نقال همراه با ضرب نوازی مرشد نوجوان، اشعار شاهنامه را با لحنی حماسی اجرا کردند. هدف مدیریت مجموعه فرهنگی آرامگاه فردوسی از اجرای برنامه این بود که کودکان و نوجوانان علاقه مند در دامن حکیم سخن و در فضایی آشنا، علایق خود به نقالی را دنبال کنند. همه امور و برنامه ریزی این نشست ها به عهده خود نوجوانان محلی است تا مسئولیت پذیری را تمرین کنند.

شادمانه کودکان در مسجد محله

مسجد قائم المهدی^(عج) در شب های زیبا و پراز جشن و سرور ماه شعبان میزبان کودکان محله است. پس از برگزاری نماز جماعت مغرب و عشا، این کودکان در مسجد می مانند و لحظات خوبی را در کنار یکدیگر سپری می کنند. برنامه شادمانه بچه های جاهد شهر با این هدف برنامه ریزی شده است که کودکان فارغ از خبرهای پر حاشیه این روزها شاد باشند و به معنای واقعی کودکی کنند. در این شب ها، کودکان با محوریت شخصیتی به نام «عمورجیب» دور هم جمع می شوند و با یکدیگر بازی های فکری، رقابت های ورزشی و جشن های کودکانه را تجربه می کنند. این مراسم محلی تا شب نیمه شعبان به میزبانی مسجد قائم المهدی^(عج) جاهد شهر برپاست.



رقابت ورزشی دختران مروارید در توس

جمعیت مردمی «دختران مروارید» محدوده منفصل شهری توس، سومین جشنواره ورزشی محلی خود را تدارک دیدند. در این برنامه، بیش از چهل دختر یازده تا چهارده ساله در رشته های داوآبال و هفت سنگ با یکدیگر رقابت کردند. در پایان برنامه هم به همت خیران و مدیران گروه دختران مروارید از همه شرکت کنندگان قدردانی شد.



بانوان در رقابت طناب کشی در منطقه ۱۲

رقابت های طناب کشی چهارمین المپیاد ورزشی بانوان مشهد، جام شهربانوبه میزبانی سالن ورزشی شهدای شهرداری در منطقه ۱۲ برگزار شد. این مسابقات در سه رده سنی کمتر از ۲۰ سال، ۲۰ تا ۳۵ سال و ۳۶ سال به بالا برگزار شد و در پایان به ترتیب تیم های شهید همت، راشا و برتر، عنوان قهرمانی را کسب کردند.

مخازن شن و نمک منطقه پر شد

با ادامه پایداری هوای سرد و ورود سامانه های بارشی به کشور، مخازن شن و نمک منطقه ۱۲ پر شد. این اقدام از سوی پاكبانان اداره خدمات شهری منطقه ۱۲ و در بیش از ۱۰ معبر اصلی و بزرگراه های آیت ا... هاشمی رفسنجانی و پیامبر اعظم^(ص) اجرایی شد. بیش از ۳/۵ تن شن و نمک برای بارش های احتمالی در مخازن مورد نظر ذخیره شده است.

سبک شدن درختان پارک و معابر

فاز دوم هرس زمستانه درختان منطقه ۱۲ با هدف سبک کردن شاخه های درختان انجام گرفت. باغبانان اداره فضای سبز منطقه ۱۲ در سه هفته اخیر درختان بوستان ها و معابر را هرس کردند تا از آسیب درختان و شکستن شاخه های بیشگیری شود. هرس درختان در بولوارهای الهیه، محمدیه، مجیدیه، شاهنامه، صادقیه، امیریه و صادقیه اجرایی شد.



۱۲

پیگیری شهرآرامحله منجر به رفع آلودگی محیطی استخر روباز بوستان نیایش شد

نوبت خودنمایی زیبایی های آب نما



بهشتی پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۲ منجر به رفع بوی بد اطراف دریاچه بوستان نیایش شد. ۲۵ تیرماه امسال بود که درخواست اهالی جاهد شهر را در این باره مطرح کردیم و از همان زمان، اقدامات شهرداری منطقه ۱۲ آغاز شد. انتشار آن گزارش منجر به تهیه برنامه زمان بندی کلرزنی استخر و همچنین طراحی سیستم هوادهی داخلی آب شد و حالا یک ماهی می شود این فرایند از سوی اداره فضای سبز منطقه ۱۲ تکمیل شده است. در یک ماه اخیر این مشکل برطرف شده است و همچنین پیش بینی می شود با افزایش دما در فصل گرما وضعیت آلودگی محیطی و بوی بد تابستان گذشته تکرار نشود.



زهرا ثریایی، یکی از بانوان ورزشکار این بوستان، می گوید: من به صورت تخصصی نمی دانم اینجا چه اتفاقی افتاده است ولی خوشبختانه بعد از پایان عملیاتی که انجام شد، همیشه آب دریاچه تمیز است و بوی بدی هم نمی دهد. مشخص است که راهکار اجرایی جواب داده است.

بلا تکلیفی در تصویب طرح تفصیلی و ممنوعیت ساخت و ساز در محله فردوسی باعث سکونت مردم در خانه های پרוصله پینه شده است



اینجا شهر نشد که نشد

⚠️ برای تخریب پای کارند. برای ساختن نه!

⚠️ توسعه محله، گروگان آینده نامعلوم

باقدم زدن در کوچه های اسلامیة بانه های قدیمی ای مواجه می شویم که برخی عمر چهل ساله دارند و نیاز به بازسازی یا تخریب آن ها مینماید. خانه هایی کاهگلی هم هستند و بیش از پنجاه سال عمر دارند. صاحب یکی از این خانه های قدیمی محمود شریف است. این عضو شورای اجتماعی محله فردوسی ماراتا داخل حیاط خانه اش همراهی می کند. او می گوید: عمر این خانه در زمان سکونت پدرم در اینجا تمام شده بود. اما چون اجازه نوسازی به ما نمی دهند، مجبوریم با این وضعیت ادامه دهیم. شریف ادامه می دهد: اگر الان در محله همراه شویم، می توانم حدود بیست یا سی خانه را با این وضعیت به شما نشان دهم. خیلی از این خانه ها با وصله پینه سراپا هستند و وضعیت خطرناکی دارند. کدام عقل و منطق می گوید ما باید در این شرایط زندگی کنیم؛ چون قرار است میراث فرهنگی از این فضا در زمانی نامشخصی استفاده کند؟ ما اصلا نمی دانیم این بلا تکلیفی به چه دلیل است. میراث فرهنگی می گوید ما اجازه ساخت و ساز را در بعضی محلات داده ایم. شهرداری هم می گوید به زودی درست می شود. اما هیچ وقت ما نتوانسته ایم مجوزی برای ساخت و ساز بگیریم. یک آهن غیرمجاز هم اگر علم کنیم، می آیند و تخریب می کنند. برای تخریب همه پای کارند ولی برای مجوز دادن و ساختن، کسی محله ما را گردن نمی گیرد.



برای بررسی درخواست های اهالی محله فردوسی، با مجید آراسته در توس سفلا و اسفندیان همراه می شویم. او با تاریخ توس و همچنین کمبود ها و مشکلات محله به خوبی آشناست. این شهروند در ابتدا تعریف می کند: در دو یا سه دهه اخیر، ارگان های مختلف مانع از توسعه این محدوده از شهر شده اند و می گویند به خاطر میراث فرهنگی و آینده این محله است؛ این چه آینده ای است که قرار است بافت محلی را در وضعیت قدیمی و کهنه نگه دارد؟



آراسته ادامه می دهد: سال ۱۳۹۲ که محله فردوسی و کل محدوده توس به شهرداری و فضای شهری الحاق شد، حرف از این بود که قرار است اینجا توسعه پیدا کند و ساخت و ساز راه بیفتد، اما الان دوازده سال است که این شرایط را داریم و هیچ اتفاق مثبتی رخ نداده است. همیشه هم به ما می گویند باید طرح تفصیلی بیاید. این چه طرحی است که وزارت راه و شهرسازی، میراث فرهنگی، شهرداری و استانداری نمی توانند آن را جمع کنند؟ عضو شورای اجتماعی محله فردوسی که از این شرایط ناراضی و تاحدودی عصبانی هست، می گوید: خیلی از مردم اینجا آبرو مند هستند، خانه دارند. ملک دارند اما نمی توانند آن را نوسازی کنند و این برای آن ها در حضور مهمان و دوست و آشنا مایه خجالت شده است. مادر همین محله، خانه هایی داریم که ساکنانش در این شب ها یاد سرمایی خوابند یا خانه خود را با بخاری نفتی گرم می کنند، چرا؟ چون غیرمجاز ساخته اند و شرکت گاز به این دلیل به آن ها اشتراک نمی دهد.

مجید آراسته در ادامه می گوید: آخر مگر شهرداری و ارگان های مربوطه راهی جز ساخت و ساز غیرمجاز برای مردم گذاشته اند؟ شهرداری قرار بود بافت این محدوده را مانند شهر اداره کند. اما اینجا با این شرایط شهر نشد.

سید مصطفی بهشتی در یک کوچه، خانه های قدیمی به هم تکیه داده اند؛ خانه هایی که نمای بیرونی آن ها کاهگل است. در کوچه ای دیگر با خانه های در حال ساختی مواجه می شویم که روی آن ها تابلو بزرگ «پلمب» نصب شده است. در معبری دیگر هم می توان ساختمان هایی را دید که مدت زیادی است نیمه کاره مانده اند. این شرایط، حاصل فریز شدن بافت مسکونی و بن بست ساخت و ساز قانونی در محله فردوسی از حدود دو تا سه دهه قبل است.

این محله از چهار هسته جمعیتی تشکیل شده است: اسفندیان، توس علیا، توس سفلا و اسلامیة در بافت این محله کهن قرار می گیرند. محله ای با جمعیت حدود ۱۰ هزار نفر که قریب سه دهه است با مشکلات پرشماری در حوزه ساخت و ساز مواجه است. در این مدت به ساکنان، مالکان و سرمایه گذاران اجازه ساخت بنا داده نشده است و در یک دهه اخیر همه امور این حوزه و صدور مجوزات به طرح راهبردی توس و در ادامه طرح تفصیلی این محدوده گره خورده است؛ طرحی که هنوز هم از آن خبری نیست. الحاق این محدوده به فضای شهری در دوازده سال قبل تر هم دردی از اهالی دوانکرده و به اعتقاد خیلی از آن ها هویت میراث فرهنگی توس، روند کار و یافتن راهی برای صدور جواز ساخت و ساز را کند کرده است. حالا اهالی قدیمی از شرایط خسته اند، دیگر هیچ پاسخی آن ها را راضی نمی کند. زیرا گمان می کنند رفع دغدغه ساکنان توس، برای مجموعه مدیریت شهری و ارگان های دولتی اولویت ندارد.



باشد، منافع مردم محلی در آن دیده شود و سازگار با شرایط این محدوده باشد. در این راستا اصرار داریم که یک طرح قابل اجرا، به نفع جامعه محلی، هر چند با تأخیر ابلاغ شود تا ساکنان قدیمی محله بتوانند از ظرفیت های ساخت و ساز استفاده کنند.

عضو شورای اسلامی شهر مشهد مقدس درباره شایعات جابه جایی اهالی توس علیا و نگرانی های مردم می گوید: تا زمانی که طرح تفصیلی ابلاغ نشود، نمی توان در این باره تصمیم دقیقی گرفت. اما در این خصوص باید روشن نگری شود. از ابتدای دهه ۸۰ سازمان میراث فرهنگی به مردم توس علیا اعلام کرده است که این محدوده شهر، تاریخی سلجوقی است که باید از آن صیانت شود. در این خصوص بارها در رسانه ها و دیدارهای مردمی روشن نگری شده است که این محدوده متعلق به میراث فرهنگی است اما ضوابط آن هنوز مشخص نشده است؛ با وجود این افراد سود جویی هستند که نمی خواهند این واقعیت را بپذیرند و مردم را تشویق به ساخت و ساز و حفاری غیرمجاز در محدوده می کنند که این موضوع خودش باعث آسیب به میراث تاریخی این محدوده می شود. بالاخره این فضا تاریخ و تمدن یک مملکت است و باید از آن صیانت شود.

برای پاسخ گویی موقت به درخواست های مجوز، به شهرداری و کمیسیون ماده ۵ استانداری ارائه کردیم که تأیید شد اما شورای عالی معماری و شهرسازی کشور همه چیز را منوط به طرح تفصیلی کرد تا به این شکل همه امور این حوزه کماکان متوقف باشد.

شهردار منطقه ۱۲ در پایان در خصوص خودداری شرکت های خدماتی از ارائه انشعاب به مشترکان توضیح می دهد: این موضوع مربوط به ضوابط خود این سازمان هاست و ارتباطی به شهرداری ندارد. بعد از اینکه ملک غیر مجازی بنامی شود، برای آن کد نوسازی صادر کرده و اقدام برای رأی آن را آغاز می کنیم. شرکت های خدماتی مانند شرکت گاز در زمان دریافت درخواست اشتراک از ما استعلام می گیرند و ما جواب آن را می دهیم؛ بعد از این پروسه، شرکت بر اساس ضوابط خود تصمیم می گیرد انشعاب صادر نکند و شهرداری در این خصوص ممانعت نمی کند.

فرهنگی استان ارجاع شد، با توجه به بررسی های کارشناسی حوزه میراث فرهنگی، در کمتر از دو ماه از وزارت میراث فرهنگی، نظر کارشناسی و تأیید طرح اخذ شود. خود حوزه میراث فرهنگی به شدت از این تأخیر و بی برنامه گی متضرر می شود و مؤید این موضوع هم شکل گیری ساخت و سازهای بدون ضابطه در این سال ها، در عرصه و حرائم شهر تاریخی و فرهنگی توس بوده است.

مدیر پایگاه توس در پایان می گوید: تعاملات سازنده جوامع محلی و نقش پررنگ و مهم آنان در حفاظت و صیانت از پهنه تاریخی از مهم ترین مؤلفه های ثبت جهانی است و مدیران میراث فرهنگی استان و کشور به دنبال جابه جایی کامل اهالی و مردم محله توس یا مختل نگهداشتن ساخت و ساز در این محدوده نیستند، بلکه مهم ترین مسئله، تشکیل ساختار ضابطه مند، چاپک و سریع و تعاملی و مدیریتی واحد است تا علاوه بر رفع مشکلات و مسائل جامعه محلی بتوانند سازی و استفاده از جامعه نخبگانی توس بتواند همگام با مردم، حفاظت ارزش های تاریخی و فرهنگی آن را به سرعت پیش ببرد.

! طرح تفصیلی باید به نفع جامعه محلی باشد

رئیس کمیسیون ویژه توسعه و بهسازی توس شورای اسلامی مشهد مقدس از جمله افرادی است که در چهار سال اخیر پیگیر وضعیت توس بوده است. مجید طهوریان عسکری می گوید: بیش از یک سال است که طرح تفصیلی توس در شورای اسلامی شهر مشهد مقدس و شهرداری تأیید شده است. آنچه باعث تأخیر در تصویب آن در شورای عالی معماری و شهرسازی کشور شده، تعداد پرونده های زیاد در این شورا است. همچنین یکی از دغدغه های ما دور بودن و شناخت ناکافی برخی اعضا و افراد صاحب نظر در این شورا، نسبت به محله فردوسی و توس است که خود این موضوع به زمان بردن کار منجر می شود.



طهوریان عسکری ادامه می دهد: همکاران ما در شهرداری و شورای اسلامی شهر مشهد با تأکید ویژه پیگیرند تا یک طرح تفصیلی عملیاتی مصوب شود؛ به این معنا که قابلیت اجرا داشته

! راهکار موقت تأیید نشد

شهردار منطقه ۱۲ شهرداری مشهد با اشاره به پیگیری مجموعه مدیریت شهری برای تصویب و ابلاغ طرح تفصیلی می گوید: حدود یک سال قبل، طرح تفصیلی توس در شورای اسلامی شهر مشهد و کمیسیون ماده ۵ استانداری خراسان رضوی تأیید شده و بعد از آن در اختیار شورای عالی معماری و شهرسازی کشور قرار گرفته است و روند رسیدگی به آن انجام می شود و امیدواریم زودتر به نتیجه برسد تا بتوانیم پاسخگوی شهروندان باشیم.



او در ادامه درباره راهکار موقت پاسخ گویی به شهروندان برای ساخت و ساز می گوید: قبل از این در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۴ ضوابطی را

! میراث فرهنگی هم در انتظار طرح تفصیلی

مدیر پایگاه توس، آخرین مسئولی است که درخواست اهالی مبنی بر تعیین تکلیف جامعه محلی توس را با او در میان می گذاریم. احسان رحمانیان می گوید: سازمان میراث فرهنگی استان و همچنین پایگاه توس به عنوان بهره بردار این محدوده تاریخی، در کنار جامعه محلی بر ابلاغ طرح تفصیلی پهنه توس در زودترین زمان ممکن تأکید دارد.



رحمانیان در ادامه توضیح می دهد: در تهیه طرح راهبردی توس که تنظیم آن از زمان پیوستن پهنه منفصل توس به مشهد در سال ۱۳۹۲ آغاز شد، پایگاه توس و میراث فرهنگی استان بیشترین تعامل و سرعت عمل را در رسیدگی و به سرانجام رسیدن طرح داشتند؛ زیرا همکاران ما، به صورت موازی و همگام با طرح، در حوزه میراث فرهنگی توس فعالیت پژوهشی داشتند. این موضوع باعث شد در سال ۱۳۹۸ و زمانی که طرح راهبردی به میراث



! آوار شدن خانه همیشه به خیر نمی گذرد

وضعیت توس علیا در مجاورت بقعه هارونیه نیز مشابه تمام بافت محلی است. بلاتکلیف و بایناهای قدیمی که مشخص است چند سالی از عمر آن ها سپری شده است. رسول غریب از اهالی قدیمی این محدوده در کوچه های محله با ما همراه است. او نه تنها از توقف ساخت و ساز گلایه دارد که تأخیر در تصویب طرح تفصیلی را مانعی برای آبادانی و توسعه عمرانی محله می داند. عضو شورای اجتماعی محله فردوسی می گوید: درد ما فقط ساخت و ساز نیست؛ ما در محله و شرایطی زندگی می کنیم که کوچه درست و حسابی هم نداریم؛ چرا؟ چون هر چه به شهرداری مراجعه می کنیم، می گویند محله طرح تفصیلی ندارد.



این شهروند که از سه نسل قبل تا کنون ساکن توس علیا بوده اند، می گوید: برخی مسئولان و اقامتو چه خطرات و آسیب های این محدوده نیستند. اگر یکی از این خانه های قدیمی روی سر خانواده ای تخریب شد، چه کسی باید جواب گو باشد؟ ما چنین مواردی داشته ایم که به خیر گذشته و در حد ریزش گوشه ای از سقف بوده است ولی همیشه هم به خیر نمی گذرد و امکان دارد عواقب سختی داشته باشد.

رسول غریب، ناراضی از روند طولانی بلاتکلیفی در توس علیا، می گوید: عمر من و خیلی از قدیمی های محله در این شرایط سپری شد و رنج بردیم. حالا هم که خبرهایی درباره طرح تفصیلی می رسد، شنیده ایم که باید توس علیا کلاً خالی شود و در اختیار میراث فرهنگی قرار بگیرد. آخر مگر شما می توانید به چهار صد تا پانصد خانوار بگویید خانه و زندگی خودتان را خالی کنید؟ اصلاً آدمیم و خالی کردیم؛ کجا برویم؟ نگرانی ما برای صدور مجوز ساخت و ساز کم بود، حالا باید از طرح تفصیلی ای هم که معلوم نیست کی بیاید، بترسیم.



داستان بانویی که مهرهای شکسته اهالی را بازسازی می‌کند

دست‌های نیایشگر عذرا خانم



فاطمه سیرجانی‌اتر و فرزند
سفره کوچکی را روی میز وسط اتاق پهن
می‌کند. یک تخته و چاقوی بزرگی را روی سفره می‌گذارد
و بعد به سمت ظرف شویی آتش‌پزخانه می‌رود. او
بعد گرفتن وضو با تشتی پر گل و یک شیشه گلاب
برمی‌گردد تا کارش را شروع کند. زن پای سفره‌ای که
وسط اتاق پهن کرده است، می‌نشیند و در حالی که
زیر لب ذکر می‌گوید به قاعده، مقدار کمی از تکه
گل بزرگ توی تشت را برمی‌دارد و با قالب زدن‌های
مکعبی، تولید مهر را آغاز می‌کند.
عذرا مصطفایی، از قدیمی‌های محله سیدرضی
است که هشت سالی می‌شود شروع به درست کردن
مهر نواز مهرها و تسبیح‌های شکسته کرده است.
اگرچه این کار را دلی و برای خودش انجام می‌داد،
کم‌کم آوازه تولید مهرهای او در محله چنان پیچید
که نه تنها بیشتر اهالی، مهرهای شکسته خانه خود
را برای مهرسازی دوباره به خانه او آوردند، که اکثر
مهرهای نمازگزاران مسجد غدیر باغلی و مساجد
و حسینیه‌های دور و اطراف هم برای نوکردن به
در خانه او آورده می‌شود.

دو کیسه مهر شکسته برایم آوردند

کم‌کم آوازه مهرهای نشکن عذرا خانم که همه او را به نام فامیلی
شوهرش «قدمی» می‌شناسند، در محله می‌پیچد. یک روز زنگ خانه
او به صدای آیدویکی از مسجدی هاد و کیسه پر از مهر شکسته برای
او می‌آورد و می‌گوید از حسینیه مسجد عمار یاسر است.
تعریف می‌کند: آن روز تشت بزرگی آوردم و حدود پانصد مهر شکسته را در
آن خیس کردم. بعد هم به مدت یک هفته فقط کارم کو باندن مهرهای
خیس شده در هاون و ورز دادن آن خمیرها بود تا برای درست کردن مهر
آماده شود. خاطرم هست مرحوم همسرم همیشه می‌گفت: «زن! پس
است. چقدر این خمیرها را امش می‌کنی؟ دست و شانه برایت نماند.»
اما حقیقت این است که من موقع این کار اصلاً احساس درد ندارم که
هیچ آرامش خوبی دارم و از اینکه با ساخت هر مهر، کار نیکی برای
خودم و به نیت پسر مرحومم انجام می‌دهم، خوشحالم.

آموزش مهرسازی به همسایه‌ها

هنر تبدیل مهرهای شکسته به مهرهای مقاوم برای همسایه‌های
عذرا خانم به قدری جالب است، که بعضی تصمیم گرفتند با گرفتن
دستورالعمل ساخت مهر، چاره‌ای برای مهرهای شکسته کنند
تا در ثواب این کار شریک شوند، اما پس از چند روز نایلونی‌هایی از
لایه خمیر گل بود که به در خانه خانم قدمی می‌آمد برای آخرین
مرحله و ساخت مهر.

عذرا خانم در حالی که از پای سفره بلند می‌شود و سینی مهرهای
آماده را در فضای تاریک زیر میل‌ها قرار می‌دهد، می‌گوید: نمی‌دانم
چرا، اما همه همسایه‌هایی که به آن‌ها آموزش دادم، فقط تا مرحله
خمیر کردن، کار را پیش بردند و ادامه کار را برای خودم آوردند. حتی
بعضی باور نمی‌کردند من قالب مخصوص و دستگاهی نداشته باشم
باشم و همه کار، دستی باشد. او همان طور که سینی مهرها را جاسازی
می‌کند، از ساخت مهرهای خاص برای کسانی که روی صندلی
مخصوص، نماز می‌خوانند، می‌گوید و بعد در حالی که نایلونی‌ها
از مهرها را روی میز برداشته است و مهرهای پر قطر مثلی شکل را
نشان می‌دهد، ادامه می‌دهد: حتی فکر کسانی را کرده‌ام که روی
صندلی، نماز می‌خوانند و میزهایشان کمی شیب دارد است و مهر
مخصوص برای آن‌ها درست کرده‌ام.

عذرا خانم سفره و بساط مهرسازی‌اش را جمع می‌کند و می‌گوید: این
سفره، سفره برکت خانه است و تمام دلخوشی‌ام به وقت است که آن را
پهن می‌کنم. او بین این حرف‌ها مهری را به دستم می‌دهد و می‌گوید:
دخترم! چه کاری بالاتر از اینکه به وقت نماز یادت کنند و دعای خیر
پشت سرت باشد؟ تو هم وقت نماز یادم کن.



مهرهای سنگین و مقاوم

هر کاری فوت کوزه‌گری دارد. رمز مهرهای نشکن خانم قدمی هم
ساعت‌ها ورز دادن گل و خمیر مهر است، طوری که حتی طرح روی
آن نقش نمی‌گیرد. او تعریف می‌کند: قلق مهرهای دست‌ساز من در
ساعت‌ها ورز دادن و مشت کردن گل هاست. خاطرم هست در مسجد
بعضی خانم‌ها به جای مهری که به آن‌ها می‌دادم، تسبیح کربلا به
من می‌دادند. خانمی بود در مسجد که تسبیح درست می‌کرد. یک روز
من تعدادی از تسبیح‌ها را به او دادم. او هم قالب برنجی مهری را که

سر مشق مهرسازی در مسجد عمار یاسر

همسایه مسجد غدیر باغلی است. او که هر روز نمازهایش را به
جز صبح‌ها در مسجد محله می‌خواند، تعریف می‌کند: در مسجد
همیشه دیدن مهرهای شکسته ناراحتی می‌کرد، به ویژه اگر
مهر از خاک متبرک کربلا و حرم امام حسین (ع) بود. یک روز که به
مسجد عمار یاسر در کوچه روبه‌روی مسجد خودمان رفته بودم،
با خانمی آشنا شدم که می‌گفتند مهر درست می‌کند. همان روز
روش درست کردن مهر را از او سؤال کردم و وقتی به خانه آمدم،
همه مهرهای شکسته را در آب خمیر کردم تا بعد چند روز با روشی
که یاد گرفته بودم، مهر تازه درست کنم.

مهرهای دست‌ساز متبرک

عذرا خانم که حدود ۷۵ سال دارد همان طور که خمیر گل‌ها را
مشت می‌کند و روی تخته چوبی می‌گذارد تا با چاقو برش بزند،
می‌گوید: به تر و فرزی الانم نگاه نکن مادر جان! اول کاری،
به قدری مهرها کج و معوج در می‌آمد یا به خاطر گرما و سرما ترک
برمی‌داشت که مجبور می‌شدم همه را دوباره خمیر کنم و از سر خط
شروع کنم.

همان طور که مشغول کار است، ادامه می‌دهد: مهر کربلا و حرم
امام حسین (ع) برای من خیلی حرمت دارد. یک روز مهرهای شکسته
مسجد را با اجازه خادم به خانه آوردم و برای تبرک همه مهرها
آن‌ها را با خاک یا مهرهای شکسته کربلا خیس کردم تا بعد چند روز
خیس خوردن، خمیرش کنم و مهر تازه بسازم. خاطرم هست اولین
مهرها را هم در مسجد محله گذاشتم و یکی هم دادم به مرحوم
همسرم. یک روز در مسجد مهر او را روی طاقچه به زمین افتاده اما
نشکسته بود. دوستان همسرم تعجب کرده بودند و گفته بودند مهر
از چه جنسی است که سالم مانده است. او هم گفته بود هنر دست
خانم هست. بعد آن روز، مسجدی‌هایی که یکی مهرهای شکسته
خانه‌شان را برای من می‌آوردند تا برایشان مهر نو درست کنم.



پهلوان باسابقه محله چهاربرج، در چند سال اخیر، حامی ورزشکاران نوجوان کشتی با چوخه بوده است

نسل امروز در گود ورزشی کهن

۱۲



دیدار آشنا

او درباره سختی ها و مشقت برگزاری این مسابقات می گوید: ما به حمایت دولت و ارگان های دیگر نیاز داریم، اما این اتفاق نمی افتد. البته ما با هم این برنامه ها را برگزار می کنیم؛ چون معتقدم جوانان این محدوده استعداد دارند و باید این توانایی ها پرورش دهیم.

● شهرآرامحله، حامی کشتی با چوخه

گفت و گوی قبلی ما با جواد اسلامی مقدم در شهرآرامحله خاطراتی را هم در ذهن او ثبت کرده است و هم در ذهن ما. از جمله اینکه در آن زمان تعدادی از اهالی بولوار شاهنامه با ما تماس گرفتند و نشانی جواد آقا را خواستند تا فرزندان خود را برای آموزش کشتی با چوخه یا جود و نزد او بفرستند.

خودش درباره آن گزارش می گوید: در آن زمان ما من و سه نفر از پهلوانان توس گفت و گو شد؛ خوشبختانه اهالی محله و به ویژه جوان ترها مصاحبه را دیده و خوشحال بودند که به این رشته و پیشکسوتان آن توجه می شود.

اسلامی مقدم در ادامه می گوید: این موضوع را بگویم که شهرآرامحله در این سال ها واقعاً به تقویت کشتی با چوخه توس و هویت پهلوانی در این محدوده کمک کرده و همین موضوع برای ما هم انگیزه ای است که نوجوانان را به ورزش تشویق کنیم. بچه های ما هم قدر این حمایت رسانه ای را می دانند و اینکه گاهی با آن ها مصاحبه می شود، خوشحالشان می کند.

جواد اسلامی مقدم می گوید: همین حمایت ها در این سال ها باعث شده است بچه های توس در چندین مسابقه داخلی و بین المللی مقام بیاورند و افتخار کسب کنند.

● کار پدرانمان را تکرار می کنیم

مهم ترین اتفاقی که جواد اسلامی مقدم در این سال ها رقم زده است، پایه گذاری دوباره مسابقات کشتی با چوخه محلی در توس است. او دغدغه دارد که نسل جدید هم به خوبی با ورزش آبا و اجدادی توس آشنا باشند. جواد آقامی گوید: وقتی می بینم بچه ده دوازده ساله با لباس چوخه، دور گود فردوسی یا زمین ورزشی قدم می زند، لذت می برم. مگر پدران ما همین کار را نکردند که این فرهنگ و ورزش زنده بماند؟ حالا ما هم همین کار را تکرار می کنیم.



بهشتی امداد پیگیر وضعیت بچه ها است. از لباس گرفته تا ارشیا و ایمن. وضعیت آمادگی جسمانی آن ها را بررسی می کند. از اردوهای تیم ملی جود و خبر می گیرد یاد تدارک سالن و زمین برای تمرینشان است. جواد اسلامی مقدم، بار چندین نهاد حمایت کننده ورزش را به تنهایی به دوش می کشد تا بچه محل هایش در دنیای ورزش، حرفی برای گفتن داشته باشند. همین تلاش ها و حمایت هایش از ورزشکاران توس باعث شده است با گذشت پنج سال از آخرین گفت و گویمان در شهرآرامحله، دوباره به سراغ این پهلوان برویم.

● حمایت ادامه دار از استعدادها

این روزها برای استقبال از چند شاگرد خودش و نوجوان محلی آماده می شود و تدارک های لازم را می بیند. آن ها به تازگی در کاپ جود و آفریقا مقام آورده اند، پرچم ایران را بالا برده و بچه محل هایشان را در توس خوشحال کرده اند. همین چند هفته پیش، یکی دیگر از شاگردان او در رقابت کشوری کوراش قهرمان شد.

پنج سال اخیر برای جواد آقا با همین روال و بدون هیچ چشمداشت مالی سپری شده است. او می گوید: خیلی از بچه های توس، توان مالی دنبال کردن ورزش حرفه ای را ندارند، اما استعداد آن را دارند. برای من مهم است که این بچه های با استعداد را تا زمانی که خودم می توانم پرورش دهم و زمانی که دیگر چیزی برای آموزش نداشته ام، آن ها را به دو دسته آدم معرفی کنم: اول افراد فنی و دوم افراد خوش قلبی که توان حمایت دارند.

گفت و گو با دختران شهید انیس خوش قدم که خیابان پرورش ۲۵ به نام اوست

جمعه سیاه و وداع با مادر



مکان نما

می رفت، ماسه خواهر را با خودش می برد. از خانواده شش نفره ما با رفتن مادر، به معنای واقعی یتیم شد. بعد مادرمان دیگر خانه رنگ شادی نگرفت.

رقیه خانم که آن زمان کلاس چهارم بود، از اولین ماه مهری می گوید که او و خواهرانش تنها و بی مادر را می مدرسه شدند. روزی که خواهران در سکوت به مدرسه رفتند، در حالی که اندوهی بزرگ در دلشان بود.

دختر بزرگ شهید می گوید: پدرمان ارتشی بود. با رفتن مادر، وقتی پدر به ما موریت می رفت، تنهایی را بیشتر احساس می کردیم. اما باز هم دل خوش به حضور گرم پدر بودیم. این دل خوشی زیاد طول نکشید و کمتر از دو سال بعد از شهادت مادر، پدرمان هم در جبهه های دفاع مقدس شهید شد.

اگرچه شهدای جنگ تحمیلی در قطعه شهدای بهشت رضا^(ع) به خاک سپرده می شدند، به درخواست فرزندان شهید، یداً... حقانی حسن کیاده در خواجه ربیع، در کنار همسرش و دیگر شهدای انقلاب آرام گرفت.

شغل نظامی همسرش، شهید یداً... حقانی، به مشهد آمده بودند و کسی را اینجا نداشتند. معصومه خانم، دختر بزرگ شهید که در زمان شهادت مادر فقط چهارده سال داشت، تعریف می کند: پدر و مادر من به همراه دختر عمه پدرم و همسرش آن روز راهی حرم شدند. آن ها دیر کرده بودند. ساعت ۸ شب شروع حکومت نظامی بود. ساعت که به ۷ رسید، کم کم دلشوره به دل ما بچه ها افتاد. در هول و ولای دیر کردن بزرگ ترها و شروع حکومت نظامی بودیم که در خانه رازدند. پدرم بود. تنها و بی همراه و با چادر پر خون و سوراخ شده مادرمان در چهارچوب در ایستاده بود.

● قرعه شهادت به نام مادرمان افتاده بود

رقیه خانم، دختر کوچک شهید که در زمان شهادت مادر، ۱۰ سال داشت، در ادامه صحبت های خواهر بزرگ تر می گوید: آن روز دختر عمه پدرم و فرزندش هم مجروح شده بودند، اما مادرمان به خاطر شدت جراحات و دیر رسیدن به بیمارستان شهید شد. با آنکه در زمان شهادت مادر من و سالی نداشتم، از ایمان او خوب یادش هست؛ زنی محجبه که دخترانش را به داشتن پوشش چادر و خواندن نماز اول وقت تشویق می کرد. رقیه خانم تعریف می کند: مادر من با خدایی بود. همیشه وقتی به مسجد محله

فاطمه سیرجانی | جمعه هفدهم شهریور سال ۵۷، زن جوان میهمان داشت؛ میهمانانی از خطه شمال که برای زیارت به مشهد آمده بودند. آن روزها اوج تحرکات مردمی علیه رژیم پهلوی بود. او و همسرش تصمیم گرفتند قبل از غروب آفتاب و شروع حکومت نظامی، میهمانان خود را برای زیارت به حرم ببرند. اما در مسیر برگشت از حرم امام رضا^(ع) در فلکه آب میان موج تظاهرات کنندگان، گرفتار شدند.

فریاد «مرگ بر شاه» فضا را پر کرده بود. در میان هیاهوی مردم، صدایی از بلندگوی مردم خواست پراکنده شوند. چند لحظه بعد، اصابت تیری در پای زن جوان، او را زمین گیر کرد. آن روز شدت از دحام مانع رساندن انیس خانم به بیمارستان شد و او قبل از رسیدن به مرکزی درمانی از شدت خون ریزی به شهادت رسید.

انیس خوش قدم حسن کیاده که آن زمان فقط ۲۴ سال داشت، برای همیشه همسر و چهار فرزندش را تنها گذاشت. او رفت تا نامش در فهرست شهدای جمعه سیاه قرار گیرد و امروز اسمش زینت بخش کوچه پرورش ۲۵ در محله دانشجو باشد.

● پدر آمد، اما بی همراه

زن و شوهر اصالتا شمالی بودند. انیس خانم و بچه هایش به واسطه



برای پیوستن به کانال شهرآرامحله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد QR را اسکن کنید



حیدرآیینی بیگی از نخستین ساکنان کوچه دادگر ۱۷ است. زمانی که هنوز هیچ فضای خدماتی ای اینجانبود، او در این کوچه ساکن شد و تعریف می‌کند: نه از مدرسه خبری بود و نه امتیازات زندگی. دل ما خوش بود به بودن همسایه‌ها. همین و بس.

در انتهای این کوچه بن بست، بوستان زیبایی یاقوت قرار گرفته است که سال ۱۳۶۵ نخستین درخت‌ها در آن کاشته شد اما تجهیز آن به زمین بازی کودکان، میز شطرنج و مبلمان پارکی در حدود دودهه قبل انجام گرفت.



معبری برای خانواده «دادگستری»

فاطمه سیرجانی‌اکوچه دادگر ۱۷ معبری در محله شریف است. این مسیر فرعی در طول روز به واسطه وجود سه مرکز آموزشی، پرتدد است و نیمی از مساحت آن به مدارس اختصاص یافته است. اولین ساکنان این مسیر، کارمندان دادگستری بودند که از حدود ۲۵ سال قبل در این معبر ساکن شدند. این کوچه تا قبل نام‌گذاری رسمی، به «کوچه دادگستری» شناخته می‌شد.

کوچه دادگر ۱۷
محله شریف



این زمین خالی ابتدای کوچه قرار بود روزی به ساخت یک فضای آموزشی یا اداری جهاد دانشگاهی اختصاص یابد اما تصمیم مدیران این مجموعه، زمین را خالی نگه داشت تا حالا انبار جهاد دانشگاهی باشد.

رها سازی زباله‌های پای درختان، نبود سرعت‌گیر و علائم راهنمایی و رانندگی در محدوده مدارس، تاریکی بوستان یاقوت و پارک پر شمار خودروها در اطراف فضا های آموزشی، از جمله مشکلات اهالی این معبر است.



دبیرستان دوره دوم امام حسین (ع) سال ۱۳۸۳ در انتهای این کوچه بنا شد و به واسطه حمایت مجموعه آموزشی امام حسین (ع) در پرورش دانش آموزان نخبه همواره موفق بوده است. علاوه بر این دبستان امام حسین (ع) و یک مهد کودک هم در این مسیر قرار دارد.